

توزیع فضایی خشونت‌های خانگی در شهر کرمانشاه

ژیلا قزوینه - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران
باقر ساروخانی* - استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران
عالیه شکرپیگی - استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۳

وصول: ۱۳۹۷/۰۴/۱۰

چکیده

رویکرد اجتماعی همواره نگاه غالب در مطالعه خشونت‌های خانگی بوده در حالی که این پدیده به‌عنوان آسیبی اجتماعی، نیازمند بررسی چندبعدی است. پژوهش حاضر، توزیع فضایی خشونت‌های خانگی شهر کرمانشاه را بررسی کرده است. در ابتدا با استفاده از تجربه زیسته، گونه‌های همسرگزینی در شهر کرمانشاه، تعریف شدند. در گام دوم، با استفاده از روش دلفی، گونه‌ها، برای جمع‌آوری آرا در زمینه منسوخ‌شدن یا مرسوم‌بودنشان، در اختیار کارشناسان قرار گرفت. با توجه به اختلاف نظرهای موجود در زمینه منسوخ‌شدن برخی گونه‌ها، از روش دیگری استفاده شد. در این مرحله، از نظریه زمینه‌ای برای شناسایی دقیق گونه‌ها استفاده شد. در گام چهارم، با استفاده از روش پیمایش، خشونت در سه سطح روانی، کلامی و فیزیکی در بین گونه‌های مختلف همسرگزینی اندازه‌گیری شد. در این مرحله با استفاده از سه روش نمونه‌گیری پذیرش متوازن، خوشه‌ای و وارون، ۹۰ نقطه شهر به‌شکل غیر تصادفی انتخاب، مناطق غیر مسکونی حذف و در ۲۵ نقطه مسکونی شهر، پرسش‌نامه‌ها تکمیل شد. قابلیت تبیین نمونه‌ها، با هدف جمع‌آوری تمام نمونه‌های موجود در هر نقطه، با تکمیل دست کم پانزده و حداکثر بیست پرسش‌نامه در هر نقطه به‌دست آمده و روی هم ۴۳۳ پرسش‌نامه تکمیل شده است. نتایج نشان می‌دهد بیشترین میزان خشونت در هر سه سطح در میان مناطق فقیرنشین و حاشیه‌ای شهر متمرکز شده است. میزان بالای بیکاری و درآمد پایین، مهاجرت و گسترش حاشیه‌نشینی که به‌طور گسترده در مناطق فقیر شهری وجود دارد، بر وقوع خشونت تأثیر مستقیم داشته است. بخش قابل توجهی از رواج برخی گونه‌های همسرگزینی ناشی از فقر اقتصادی و فقر فرهنگی است که به‌طور مستقیم با محلات شهری ارتباط مستقیم دارد.

واژگان کلیدی: توزیع فضایی، خشونت، خشونت خانگی، خشونت علیه زنان، شهر کرمانشاه.

مقدمه

خشونت‌های خانگی امروزه مشکل تمام جوامع و از جمله جوامع مدرن است. هرزبرگر^۱ (۱۹۹۶: ۷۶) و تنیسون^۲ (۲۰۰۴: ۹۸) خشونت خانگی را به‌عنوان مسئله‌ای مطرح می‌کنند که با عدم بیان آن از سوی قربانیان همراه است؛ به‌گونه‌ای که زنان آن را تابو دانسته و به‌طور معمول در مورد آن صحبت نمی‌کنند. در همه کشورهای سالانه هزینه‌های ناشی از خشونت خانگی بودجه فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد (دژمان و همکاران، ۱۳۸۵؛ معینیان، ۱۳۹۱؛ گولدفارب^۳، ۲۰۰۲: ۶۳؛ داوری^۴ و همکاران، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳؛ باردا و کیسس^۵، ۲۰۱۳: ۱۴؛ دارکو^۶ و همکاران، ۲۰۱۵؛ جورج و بریجت^۷، ۲۰۱۴: ۳۷). پیامدهای خشونت خانگی همواره گریبان‌گیر تمام اعضای خانواده می‌شود. مطالعات زیادی به تأثیرات نامطلوب آن بر روی فرزندان، از جمله بزهکاری و اعتیاد، طلاق والدین، فقر و تنگدستی و اداره خانواده‌ها به سرپرستی مادران پرداخته‌اند (راهال^۸، ۲۰۱۳: ۱۱؛ شافر^۹، ۲۰۰۹: ۱۰؛ دیلون^{۱۰}، ۲۰۰۵: ۲۱؛ زمان^{۱۱}، ۲۰۰۱: ۱۹؛ زمان^{۱۲}، ۲۰۱۳). آجیش^{۱۳} و همکاران (۲۰۱۸) معتقدند بین خشونت خانگی و بیماری‌های زنان و زایمان رابطه وجود داشته و تأثیر قابل توجهی بر باروری و بیماری‌های مکرر داشته است. تعاریف زیادی از خشونت‌های خانگی شده است. شواهد موجود نشان می‌دهد شرایط پذیرش و باورهای تحمل‌کننده خشونت از مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی پذیرش خشونت هستند (فریر پرز و بوش فیول^{۱۴}، ۲۰۱۴).

خشونت خانگی به شکل‌های مختلف فیزیکی، روانی یا سوء استفاده کلامی و غیره مشکل عمومی همه کشورهای است که در مدار بسته و درون روابط شخصی رخ داده، بیشتر شامل سوء استفاده جنسی و اقتصادی، انزوای اجتماعی و تهدید عزیزان (زن) است (وارشاو^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۳). انواع رفتارهای آزاردهنده فیزیکی، جنسی، احساسی و کلامی، مانند توهین و اتهامات، از این قبیل هستند (آلجو^{۱۶}، ۲۰۱۴). خشونت روانی و کلامی شامل آزار عاطفی، تهدید شریک زن یا اموال او و یا عزیزانش (راولز^{۱۷}، ۲۰۱۰: ۵)، ترساندن، آسیب‌رساندن به اموال زن، آزار و اذیت، تهدید به ترک، حبس در خانه، زیر نظر گرفتن، تخریب اشیاء، انزوا، پرخاشگری کلامی و تحقیر از این جمله است. خشونت فیزیکی شامل آسیب جسمی از جمله زخمی‌کردن (داگلاس^{۱۸} و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۰۷)، ضرب و شتم، پیچاندن بازو، استفاده از سلاح سرد، سوزاندن، خفگی، لگزدن، تهدید با شیء یا سلاح و آدم‌کشی است؛ همچنین شامل شیوه‌های سنتی زیان‌آور برای زنان، مانند ختنه آن‌ها و ارث‌بردن از همسر (عمل واگذاری بیوه و اموال او به برادرشوهرش) نیز هست (یونیسف^{۱۹}، ۲۰۰۱). خشونت فیزیکی تنها قابل رؤیت‌ترین صورت سوء استفاده

- 1- Herzberger
- 2- Tennyson
- 3- Goldfarb
- 4- Duvvury
- 5- Barreda & Cases
- 6- Darko
- 7- George & Bridget
- 8- Rahal
- 9- Shafer
- 10- Dillon
- 11- Zaman
- 12- Zaman
- 13- Ajeesh
- 14- Ferrer-Pérez & Bosch Fiol
- 15- Warshaw
- 16- Alejo
- 17- Rawls
- 18- Douglas
- 19- United Nations International Children's Emergency Fund (UNICEF)

است؛ چراکه سوء استفاده روانی، به‌ویژه انزوای اجباری اجتماعی و اقتصادی زنان، رایج است (یوهلین^۱ و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۹).

مطالعاتی که به خشونت خانگی پرداخته‌اند بسیارند؛ عامل اقتصادی نقطه مشترک بسیاری از پژوهش‌ها قرار گرفته و به‌خوبی تأثیر این عامل بر رفتار اعضای خانواده با یکدیگر را به‌تصویر می‌کشند. زنانی که فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر دارند به‌احتمال زیاد تجربه خشونت و خشونت جنسی دارند (یونیسف، ۲۰۰۱؛ دل‌گراند^۲ و همکاران، ۲۰۰۳؛ تنیسون، ۲۰۰۴: ۳۵؛ بوتس^۳، ۲۰۰۸: ۲۷؛ فلود^۴، ۲۰۱۰: ۳۱؛ تانکی سنلت^۵، ۲۰۱۲: ۳۶؛ بشیر^۶، ۲۰۱۲: ۴۰؛ جورج و بریجت، ۲۰۱۴: ۳۷؛ فریس^۷، ۲۰۱۵: محمدی و باقری کَشکولی، ۱۳۹۳). این قضیه در موارد بسیاری حتی در مورد زنان شاغل مصداق می‌یابد. در جنوب آسیا، امنیت مالی زن کاملاً به شوهرش وابسته است (داسگوپتا، ۱۳۹۰: ۲۷). در بدترین حالت، استفاده برخی از طرف‌ها از قدرت عمده‌تأ اقتصادی، عاملی برای بدرفتاری است (برناردز، ۱۳۹۰: ۱۳۷)؛ از سوی دیگر، نابرابری درآمد زن و مرد نیز متغیری اثرگذار بر وقوع خشونت خانگی است. مطالعه کالورت و تونی^۸ (۲۰۱۳: ۱۶) نشان می‌دهد نابرابری درآمد، اثر ناسازگاری بر رفتار خانواده داشته و از عوامل اصلی اختلاف میان کشورها و یا تغییر در الگوهای خانواده در طول زمان است. به عقیده پژوهشگران فمینیست، مشکلات اقتصادی و یافتن سرپناه، ترک مرد خشن را برای زن دشوار می‌کنند (آبوت و والاس، ۱۳۹۱: ۲۴۰)؛ همچنین پژوهش‌های دیگر نیز (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۵؛ آقاخانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ امینی و همکاران، ۱۳۹۳) بر ارتباط وضعیت اقتصادی و خشونت خانگی تأکید می‌کنند.

در دیگر پژوهش‌های مرتبط، بیکاری نیز در ارتباط با خشونت خانگی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. هرچند فقر و بیکاری، ارتباطی متقابل با خشونت خانگی دارند، تحقیقات بالا را می‌توان از زاویه اشتغال با درآمد پایین در نظر گرفت. پژوهش‌های دسته دوم رویکردی آسیب‌شناسانه دارند. در پژوهش ویریمو^۹ (۲۰۱۴) عوامل اجتماعی و اقتصادی از جمله بیکاری جوانان، موجب تقویت جرم و جنایت شده است. در پژوهشی مشابه، مسائل خانوادگی و اقتصادی، خاستگاه آسیب‌های اجتماعی بیان شده که فقر و طلاق با رتبه دو و پنج، از مهم‌ترین دلایل هستند (امیری و همکاران، ۱۳۹۲). در این دو تحقیق، بیکاری در ارتباطی چندسویه با عوامل دیگر قرار می‌گیرد؛ در حالی که در مطالعه‌ای دیگر، به متغیر بیکاری به‌عنوان عامل مستقیمی بر میزان بالای نزاع و درگیری بیکاران نسبت به شاغلان توجه شده است (صداقت‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۶). تأثیرات مخرب، گاهی از خشونت خانگی هم فراتر می‌رود؛ در مطالعه‌ای، زنان و جوانانی که دچار محرومیت و خشونت خانوادگی بوده‌اند، بیشترین اقدام به خودکشی را داشته‌اند (عنبری و بهرامی، ۱۳۸۹). تأثیراتی مشابه نتایج این پژوهش از خشونت خانگی اما بر روی کودکان در مطالعه‌ای در هند نیز به اثبات رسیده است. در این مطالعه، کودکان و نوجوانانی که با خشونت خانگی در خانه رشد می‌کنند، در معرض خودکشی، استفاده از مواد مخدر و جرائم به‌ویژه تجاوز جنسی قرار دارند (کاور و گارگ^{۱۰}، ۲۰۰۸).

تأثیر عوامل اقتصادی و فقر از دریچه‌ای دیگر و در ارتباط با عوامل شهرنشینی، مهاجرت و حاشیه‌نشینی قرار گرفته و به‌نظر می‌رسد تأثیراتی چندسونگرانه است. توجه به خشونت خانگی از این منظر، آن را در ارتباط مستقیم

- 1- Uehling
- 2- Del Grande
- 3- Bottos
- 4- Flood
- 5- Tuncay Senlet
- 6- Bashiru
- 7- Ferris
- 8- Calvert & Tony
- 9- Wairimu
- 10- Kaur & Garg

با فقر و محلات فقیر شهری قرار داده است؛ به بیان بهتر، مطالعاتی که به خطر ابتلای زنان به خشونت پرداخته‌اند نشان می‌دهد که چگونه عوامل محیطی، خانوادگی و فردی در تمایل به رفتار خشونت‌آمیز دست داشته است. در تمام این پژوهش‌ها، به بستر مناسب مناطق حاشیه‌نشین برای وقوع خشونت از جمله وجود بیکاری، تورم و نابرابری درآمد با یکدیگر، فقر، مشاغل کاذب و مهاجرت اشاره شده است (ترنچانت^۱، ۲۰۱۳؛ اجیز^۲، ۲۰۱۶؛ محسنی و نصرتی پایانی، ۱۳۹۳).

عاملی که با مناطق فقیر شهری بی‌ارتباط نیست و در رابطه‌ای دیالکتیکی با عوامل نامبرده در تحقیقات بالا قرار می‌گیرد، مفهوم عدالت اجتماعی و توسعه است که شدت وقوع این پدیده در مناطق فقیر شهری را نشان می‌دهد. در این تحقیقات، تأثیر متقابل حاشیه‌نشینی، فقر و عدالت اجتماعی بر خشونت به خوبی به تصویر کشیده شده است (براون^۳، ۲۰۱۱؛ ترنچانت و مولر^۴، ۲۰۱۷: ۱۲؛ بیات، ۱۳۹۴؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۳؛ عبدی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فرهادی‌خواه و همکاران، ۱۳۹۶). نمونه‌هایی مشابه از این پژوهش‌ها، در مطالعات دیگری نیز نشان داده شده است؛ هرچند در این تحقیقات، به اثرات و پیامدهای روانی مهاجرت و تأثیرپذیری از سکونت در مناطق حاشیه‌نشین تأکید بیشتری شده است. تحقیقاتی از این دست شامل مطالعه کورت^۵ و همکاران (۲۰۱۵) است که خشونت خانگی در بین مهاجرین شهری را مانع اشتغال و کاهش اعتماد بین اعضای جامعه در نظر می‌گیرند. در همین رابطه، در یافته‌های مطالعه‌ای دیگر، ارتباط خشونت خانگی با مهاجرت و شیوع آن در زاغه‌های شهری، به اثبات رسیده است (بگوم^۶ و همکاران، ۲۰۱۵).

دلایل مؤثر دیگری که به خشونت خانگی اشاره می‌کند شامل ازدواج زودهنگام و اجباری است و پژوهش‌های بسیار گسترده‌ای در بسیاری از مناطق جهان به انجام رسیده است. در این تحقیقات، ازدواج زودهنگام و غالباً اجباری در ارتباطی تنگاتنگ و مستقیم با فقر و مناطق فقیر قرار می‌گیرد. در گزارش یونیسف (۲۰۰۱) فقر، دلیل ازدواج اجباری و راهبردی برای بقا مطرح شده است. بسیاری از این دختران جوان به‌خاطر فقر و فرار از این وضعیت، به سرنوشت ازدواج اجباری دچار می‌شوند. وضعیت مالی خانواده عروس، این موقعیت اجتماعی ضعیف را تداوم می‌بخشد و باعث می‌شود خانواده‌های آسیب‌پذیر آن‌ها و گرفتار در چرخه فقر، نتوانند از آن‌ها حمایت کنند؛ بنابراین، بیشترشان را در دام و چرخه فقر و سوء استفاده نگه می‌دارد (کمرن^۷، ۲۰۱۰: ۲۳؛ رادهاکریشنان^۸، ۲۰۱۲: ۱؛ مک‌گیور^۹، ۲۰۱۴: ۲۷؛ کالین^{۱۰}، ۲۰۱۵؛ باتاچاریا^{۱۱}، ۲۰۱۵: ۸؛ ساریچ^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۶؛ جوکی و استرک^{۱۳}، ۲۰۱۷: ۵). در مطالعه‌ای، آسیای جنوبی دارای بالاترین نرخ ازدواج اجباری در جهان بوده که بنگلادش دارای بالاترین آمار ازدواج زودهنگام در منطقه با ۷۴٪ و سپس هند ۵۸٪، نپال ۵۲٪ و افغانستان ۴۶٪ است و به‌عنوان «نقاط داغ» ازدواج اجباری در منطقه نام برده شده است (باتاچاریا، ۲۰۱۵: ۱۲). بگرضایی و همکاران (۱۳۹۶) یکی از علل بروز خشونت علیه زنان را ازدواج اجباری می‌دانند. در کنار این پژوهش‌ها، تحقیقات دیگری

1- Tranchant

2- Ajaz

3- Brown

4- Tranchant & Mueller

5- Kohrt

6- Begum

7- Cameron

8- Radhakrishnan

9- McGuire

10- Colleen

11- Bhattacharyya

12- Sarich

13- Jouhki & Stark

نیز هستند که افزون بر فقر خانوار، به دلایلی مانند اطمینان از آینده خوب کودک، مبلغی که داماد به خانواده عروس پرداخت می‌کند و کمک به رهاشدن خانواده از فقر و امکان افزایش سطح زندگی اشاره می‌کنند (فرانبرگر^۱، ۲۰۰۸؛ یوجواری^۲، ۲۰۱۸).

عوامل دیگری که به شدت روابط بین زن و شوهر را از خود متأثر می‌سازند، میزان برخورداری از حمایت اجتماعی است. هرچند این مفهوم در ارتباط با عوامل و زمینه‌هایی دیگر، قدرت میدان‌داری می‌یابد، اما زمانی که عرصه ظهور پیدا کند، به شدت روابط خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ برای نمونه، مطالعه پال^۳ و همکاران (۲۰۱۷) قابل توجه است که سطح پایین تحصیلات، بیکاری همسران، مصرف الکل توسط شوهر، وضعیت اجتماعی - اقتصادی پایین و نبود حمایت اجتماعی از همسر را به عنوان عوامل مؤثر بر خشونت خانگی مطرح می‌کند. وجه مشترک شبکه خویشاوندی در جوامع سنتی که توان حمایت اجتماعی از خانواده‌های جدید را نداشته‌اند، فقر اقتصادی بوده است. نقطه مقابل حمایت اجتماعی، انزوای اجتماعی است؛ در مطالعه سالاهاب^۴ و همکاران (۲۰۱۸): (۱۰۱) به خوبی نشان داده شده است که چگونه انزوای اجتماعی موجب پیشرفت ظهور شکل‌های خاصی از خشونت می‌شود.

در این پژوهش، تلاش شد تحقیقات مرتبط با خشونت خانگی مرور شود. در پژوهش‌های وسیع انجام‌شده در زمینه خشونت خانگی، کم‌ترین توجه به نقش عوامل محیطی و جغرافیایی در بروز خشونت‌های خانگی، شده است. تحقیقات زیادی بر رابطه بین فقر و خشونت، بدون در نظر گرفتن عوامل محیطی و جغرافیایی به انجام رسیده است؛ رویکرد غالب این مطالعات، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی بوده و از مطالعه آن از دریچه‌های دیگر، غافل مانده‌اند؛ بنابراین، مطالعات مرتبط با عوامل محیطی یا جغرافیایی بسیار نادرند. پژوهش حاضر می‌کوشد خشونت خانگی را با رویکردی محیطی و جغرافیایی مورد مطالعه قرار دهد و نشان دهد چگونه محلات فقیرنشین شهری، به عنوان خاستگاه قشرهای ضعیف اقتصادی، بیشتر از سایر محلات شهری، پتانسیل بروز خشونت‌های خانگی را دارند. شناخت خشونت‌های خانگی با این رویکرد، در برنامه‌ریزی‌های شهری و اجتماعی - به منظور کاهش اثرات این پدیده زیان‌بار - کارساز و مؤثر خواهد بود.

معرفی منطقه مورد بررسی

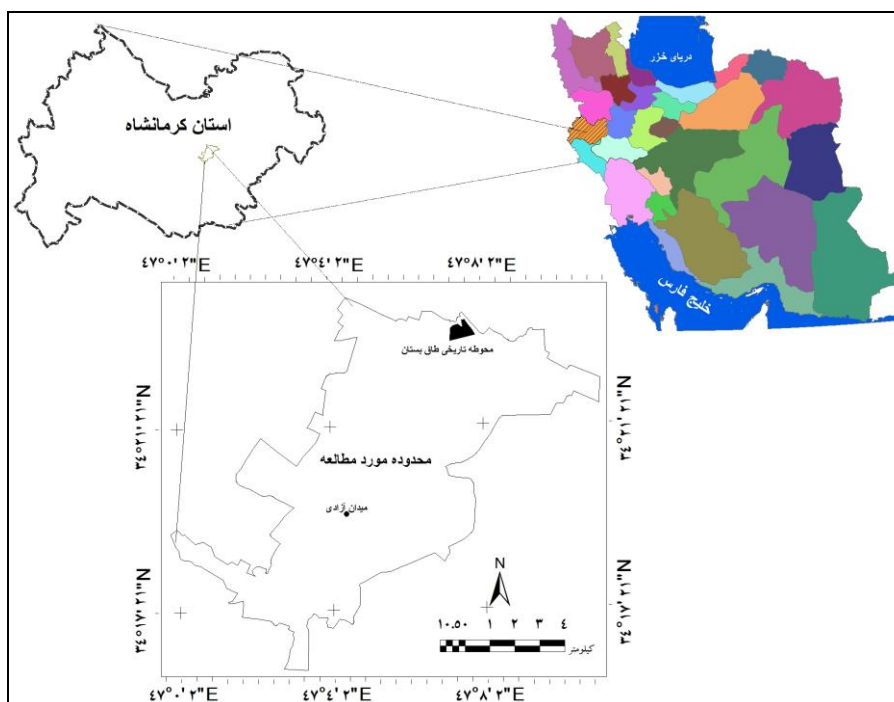
شهر کرمانشاه از شمال به کوه فرخشاد، از شمال غربی به کوه طاق‌بستان و از جنوب به سفیدکوه منتهی می‌شود که در قسمت مرکزی استان کرمانشاه، با ۲۴۵۰۰ کیلومتر مربع گستردگی و ارتفاع ۱۳۲۲ متر از سطح دریا، در موقعیت ۴۷° ۰۴' شرقی و ۳۴° ۱۹' شمالی قرار دارد. شهر کرمانشاه از محلات مختلفی با ناهمگونی قومی، مذهبی و زبانی تشکیل شده و با سایر شهرهای ایران نیز، تفاوت ساختاری دارد. موقعیت جغرافیایی شهر با موقعیت اجتماعی منطبق نیست؛ به بیان دیگر، بهترین محلات در جنوب شهر قرار داشته و شمال جغرافیایی شهر، شامل محلات عمدتاً حاشیه‌ای است. این عدم تطبیق شامل تقسیم‌بندی مناطق براساس مناطق هشت‌گانه شهرداری نیز هست. قرار گرفتن محلات مرّقه کسری، فردوسی و سراب در محدوده شهرداری منطقه ۴ یا دولت‌آباد به عنوان یکی از مناطق حاشیه‌نشین در منطقه ۲ و قرار گرفتن محلات حاشیه‌نشین جعفرآباد و شاطرآباد در منطقه ۳، شاهدی بر این مدعا است (شکل ۱).

1- Frauenberger

2- Ujvari

3- Pal

4- Salahub



شکل ۱. موقعیت شهر کرمانشاه

مواد و روش‌ها

برای شناسایی گونه‌های مختلف همسرگزینی در کرمانشاه، ابتدا با استفاده از تجربه زیسته، گونه‌های مرسوم شناسایی، تعریف و اسمی برای آنان انتخاب شد. در گام دوم، با استفاده از روش دلفی، گونه‌ها در اختیار تعدادی از متخصصان عمدتاً بومی منطقه برای گردآوری آرا در زمینه مرسوم و یا منسوخ‌بودن آن‌ها (در چهار مرحله) قرار گرفت؛ با توجه به اختلاف نظرهای موجود در مورد منسوخ‌شدن برخی گونه‌ها مانند ازدواج‌های مبادله‌ای رضایت‌مند (با شدت اختلاف کمتر) و تحمیل‌شده اجباری (با شدت اختلاف بیشتر)، در گام سوم، از نظریه زمینه‌ای برای اطمینان از گونه‌های مرسوم استفاده شد. در این مرحله، شش محله (بالا، میانی و پایین) شهر کرمانشاه با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت انتخاب شد؛ با مرور مفاهیم به‌دست‌آمده از بخش مصاحبه در این مرحله، افزون بر اثبات رواج گونه‌های موجود، گونه دیگری نیز شناسایی شد که با توجه به ویژگی‌های آن، ازدواج‌های ناچاری نام گرفت. در گام چهارم، با استفاده از روش پیمایش، میزان خشونت در گونه‌های مختلف همسرگزینی به آزمون گذاشته شد.

انتخاب نمونه‌ها، با توجه به وضعیت ساختاری، فیزیکی و اجتماعی شهر - و تفاوت‌های قابل توجه آن که در توضیحات ابتدایی این بخش مرور شد - انجام شده است. بر این اساس، از ترکیبی از سه روش نمونه‌گیری استفاده شده است: ۱- پذیرش متوازن^۱ که از تمام نقاط شهر نمونه انتخاب می‌کند؛ ۲- روش دوم تا حدودی شبیه نمونه‌گیری خوشه‌ای است و برای هر نقطه حاصل از روش نمونه‌گیری پذیرش متوازن، یک خوشه از خانوارهای هم‌جوار در نظر می‌گیرد و آن‌ها را در نمونه قرار می‌دهد؛ ۳- نمونه‌گیری وارون^۲ که انتخاب نمونه تا زمان برقراری شرط خاصی ادامه می‌یابد.

در این پژوهش، دو روش پیشین تا زمانی تکرار می‌شوند که به تعدادی از پیش تعیین‌شده، از هر ده گونه

1- Balance Acceptation Sampling

2- Inverse Sampling

همسرگزینی در نمونه قرار گیرد؛ بنابراین، نود نقطه از شهر کرمانشاه به‌طور غیر تصادفی انتخاب، نقاط غیر مسکونی حذف و در نهایت، ۲۵ نقطه مسکونی انتخاب شد (جدول ۱). انتخاب نقاط از نقطه‌ای از شهر به نقطه‌ای دیگر به شکل گردشی انجام شده تا ویژگی و خاصیت به‌پختی رعایت شود و از هریک از گونه‌ها در نقاط مختلف شهر نمونه‌برداری شود (شکل ۲). قابلیت تبیین نمونه‌ها، با تکمیل دست‌کم پانزده و حداکثر بیست پرسش‌نامه در هر نقطه و از بین زنان با مدت‌زمان ازدواج دو تا پنج سال^۱، بدون محدودیت سنی^۲ به‌دست‌آمده و تلاش شده است از تمام گونه‌های موجود با شرط مدت‌زمان ازدواج در هر نقطه، نمونه‌گیری شود. بر این اساس، در مجموع ۴۳۳ پرسش‌نامه تکمیل شده است. انتخاب نمونه‌ها در هریک از نقاط، براساس نوع منازل محلات نیز انجام گرفته است؛ بنابراین، در نقاط دارای منازل ویلایی، از تمام منازل و در نقاط دارای منازل آپارتمانی، از یک آپارتمان بزرگ و یا چند آپارتمان کوچک که تا حد امکان به نقطه انتخاب‌شده نزدیک باشند، نمونه‌گیری شده است. در این پژوهش، خشونت‌های خانگی در سه سطح روانی، کلامی و فیزیکی مورد سنجش قرار گرفت. خشونت اقتصادی در مرحله پیش‌آزمون حذف شد.

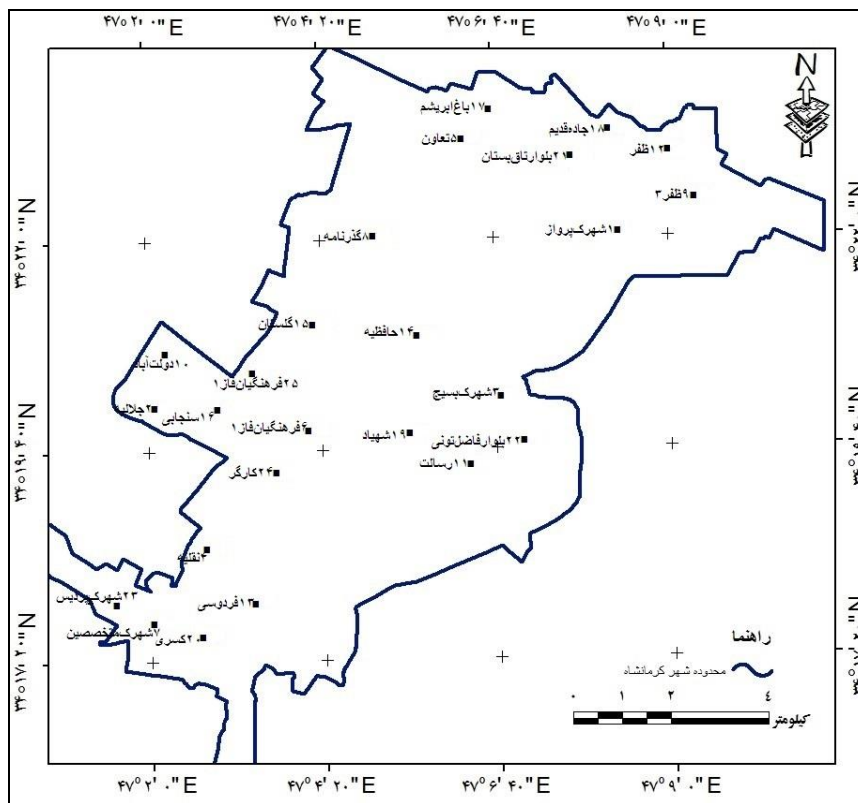
برای تحلیل خشونت در هریک از گونه‌های همسرگزینی و برحسب محلات، با بهره‌جستن از نظریه وارنر^۳ (۱۹۶۰: ۷۸) از طبقه‌بندی محلات شهری، شهر کرمانشاه تقسیم و طبقه‌بندی شده است. با توجه به قرارگیری برخی از محلات در طبقه متوسط شهری و به‌منظور ایجاد حد وسط در معادلات و محاسبات آماری، طبقه‌ای با نام «طبقه متوسط» به طبقه‌بندی وارنر اضافه شد (جدول ۲)؛ همچنین از متغیرهای وابسته تعریف عملیاتی به‌عمل آمد. در این مطالعه، خشونت روانی شامل صحبت‌نکردن با زن به‌منظور تحقیر و آزار او، اجبار به قطع ارتباط با خانواده، تحقیر قیافه و اندام زن و مقایسه زن توسط شوهر با زنان دیگر و بیان برتری آن‌ها تعریف شده است.

جدول ۱. نقاط جغرافیایی انتخاب‌شده برای نمونه‌برداری

نقاط	اسم محله	طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی	نقاط	اسم محله	طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی
۱	شهرک پرواز	۴۷/۱۴۶۹	۳۴/۳۵۸۰۵	۱۴	حافظیه	۴۷/۱۱۰۰۴	۳۴/۳۳۷۱۸
۲	جالیه	۴۷/۰۴۱۰۲	۳۴/۳۲۷۷	۱۵	گلستان	۴۷/۰۷۴۷۵	۳۴/۳۴۰۰۳
۳	شهرک بسیج	۴۷/۱۲۵۷۳	۳۴/۳۲۰۱۱	۱۶	بین عشایر و سنجابی	۴۷/۰۵۳۵۷	۳۴/۳۲۴۸۶
۴	آقاجان	۴۷/۰۴۴۱۶	۳۴/۳۱۰۶۳	۱۷	باغ ابریشم	۴۷/۱۱۷۱	۳۴/۳۸۵۵۵
۵	تعاون	۴۷/۰۷۶۹	۳۴/۳۷۱۳۲	۱۸	جاده قدیم	۴۷/۱۴۵۳۳	۳۴/۳۷۷۹۶
۶	فرهنگیان فاز ۱	۴۷/۰۷۲۴	۳۴/۳۲۵۸	۱۹	بین شهید و باریکه	۴۷/۰۹۱۲۲	۳۴/۳۲۸۶۵
۷	متخصصین	۳۴/۳۲۵۸	۳۴/۲۸۷۸۷	۲۰	کسری	۴۷/۰۴۸۸۷	۳۴/۲۹۰۷۲
۸	گذرنامه	۴۷/۰۹۳۵۷	۳۴/۳۴۸۵۶	۲۱	بلوار تاق‌بستان	۴۷/۱۴۰۶۳	۳۴/۳۶۶۵۸
۹	ظفر	۴۷/۱۷۸۲۸	۳۴/۳۶۳۷۴	۲۲	فاضل تونی	۴۷/۱۱۹۴۵	۳۴/۳۱۱۵۸
۱۰	دولت‌آباد	۴۷/۰۳۷۱	۳۴/۳۴۴۷۷	۲۳	شهرک پردیس	۴۷/۰۲۰۶۳	۳۴/۲۹۶۴۱
۱۱	رسالت	۴۷/۱۰۰۶۳	۳۴/۳۱۴۴۳	۲۴	اربابی و کارگر	۴۷/۰۶۲۹۸	۳۴/۳۱۹۱۷
۱۲	ظفر	۴۷/۱۶۴۱۶	۳۴/۳۷۵۱۲	۲۵	فرهنگیان فاز ۱	۴۷/۰۶۶۱۲	۳۴/۳۳۴۳۴
۱۳	فردوسی	۴۷/۰۵۸۲۸	۳۴/۲۹۹۲۵				

۱- برای سنجش تأثیر عامل همسرگزینی بر خشونت و کنترل سایر متغیرهای مؤثر بر خشونت خانگی، ازدواج‌های انجام‌گرفته در سال نخست و پنجم به‌بعد، از نمونه‌ها حذف شد. سال‌های نخست ازدواج به‌عنوان سال‌های طلایی زندگی، با نادیده‌گرفتن ایرادات و یا گذشت همراه است. در حالی که به‌طور معمول پس از سپری‌شدن چند سال، زندگی با ثباتی نسبی همراه می‌شود که بخشی از آن به‌دلیل تولد فرزندان است.

۲- با توجه به اینکه برخی از گونه‌های همسرگزینی مانند حیثیتی، هیجانی و یا ازدواج‌های تنظیم‌شده اجباری و تنظیم‌شده رضایت‌مند، تنها در سنین کم دیده می‌شود، انتخاب نمونه‌ها بدون توجه به سن آن‌ها و تنها براساس سال ازدواج انجام گرفت. پایین‌ترین سن نمونه ۱۷ ساله در گونه تنظیم‌شده اجباری و بالاترین سن نمونه ۳۹ ساله در گونه ترازمند گزارش شده است.



شکل ۲. پراکندگی نقاط برداشت شده به شکل گردشی

جدول ۲. طبقه‌بندی محلات شهر کرمانشاه براساس قشربندی اجتماعی وارنر

ردیف	قشربندی اجتماعی	محلات شهری
۱	بالای بالا	نقاط ۲۰ و ۱۳
۲	بالای رو به پایین	نقاط ۸ و ۱۵
۳	متوسط رو به بالا	نقاط ۶، ۷ و ۲۵
۴	متوسط	نقاط ۵، ۱۲، ۱۴، ۱۸، ۲۳
۵	متوسط رو به پایین	نقاط ۱، ۲، ۹، ۱۹ و ۲۱
۶	پایین رو به بالا	نقاط ۳، ۱۰، ۱۱، ۱۶ و ۲۴
۷	پایین پایین	۴، ۱۷ و ۲۲

خشونت کلامی شامل سرکوفت‌زدن به زن و بی‌علاقه‌گی به زندگی با او، تهدید به کتک‌زدن، بهانه‌گیری از زن و تهدید به طلاق تعریف شده و خشونت فیزیکی نیز شامل کتک‌زدن زن برای تحمیل حرف خود، مراجعه به پزشک به‌خاطر شدت کتک‌خوردن، شکستن وسایل خانه یا وسایل مورد علاقه زن در هنگام دعوا و درگیر کردن خانواده زن به‌هنگام دعوا تعریف شده است. برای سنجش روایی ابزار اندازه‌گیری، از روایی صوری استفاده شده که براساس آن، گویه‌ها به‌دقت به‌وسیله اساتید صاحب‌نظر در حوزه جامعه‌شناسی خانواده مورد بازبینی قرار گرفته و روایی عبارات تأیید شده است. برای سنجش پایایی مقیاس اندازه‌گیری از آزمون مقدماتی و روش سازگاری درونی گویه‌ها استفاده شده است (جدول ۳).

نتایج

این مقاله با هدف مطالعه خشونت خانگی در سه سطح روانی، کلامی و فیزیکی و تأثیرات عوامل محیطی به انجام رسید. عوامل محیطی مورد بررسی، به‌شدت متأثر از اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند.

جدول ۳. سازگاری درونی گویه‌ها و آلفای کرونباخ متغیرهای وابسته در سه سطح (روانی، کلامی و فیزیکی)

میزان آلفا	مقدار احتمال	همبستگی	گویه‌ها	تعداد گویه	سطوح مختلف خشونت	ردیف
۸۱/۹	۰/۰۰۰	۰/۸۶	صحبت نکردن با زن به شکل عمدی برای تحقیر و آزار وی	۴	خشونت روانی	۱
	۰/۰۰۰	۰/۸۹	اجبار به قطع ارتباط زن با خانواده‌اش			
	۰/۰۰۰	۰/۸۷	تمسخر قیافه و اندام زن			
	۰/۰۰۰	۰/۸۵	مقایسه با زنان دیگر توسط شوهر و احساس برتری آنان نسبت به همسر			
۸۱/۲	۰/۰۰۰	۰/۸۴	سرکوفت زدن به زن و اجبار به زندگی با او به خاطر بچه‌ها	۴	خشونت کلامی	۲
	۰/۰۰۰	۰/۸۹	تهدید به کتک زدن در هنگام دعوا			
	۰/۰۰۰	۰/۸۶	بهانه‌گیری به دلایل مختلف			
	۰/۰۰۰	۰/۸۱	تهدید به طلاق			
۸۳/۲	۰/۰۰۰	۰/۸۹	کتک زدن زن برای تحمیل حرف خود	۴	خشونت فیزیکی	۳
	۰/۰۰۰	۰/۸۱	مراجعه به پزشک به خاطر شدت کتک خوردن			
	۰/۰۰۰	۰/۸۶	شکستن وسایل خانه یا وسایل مورد علاقه زن در هنگام دعوا			
	۰/۰۰۰	۰/۸۷	درگیر کردن خانواده زن به هنگام دعوا			

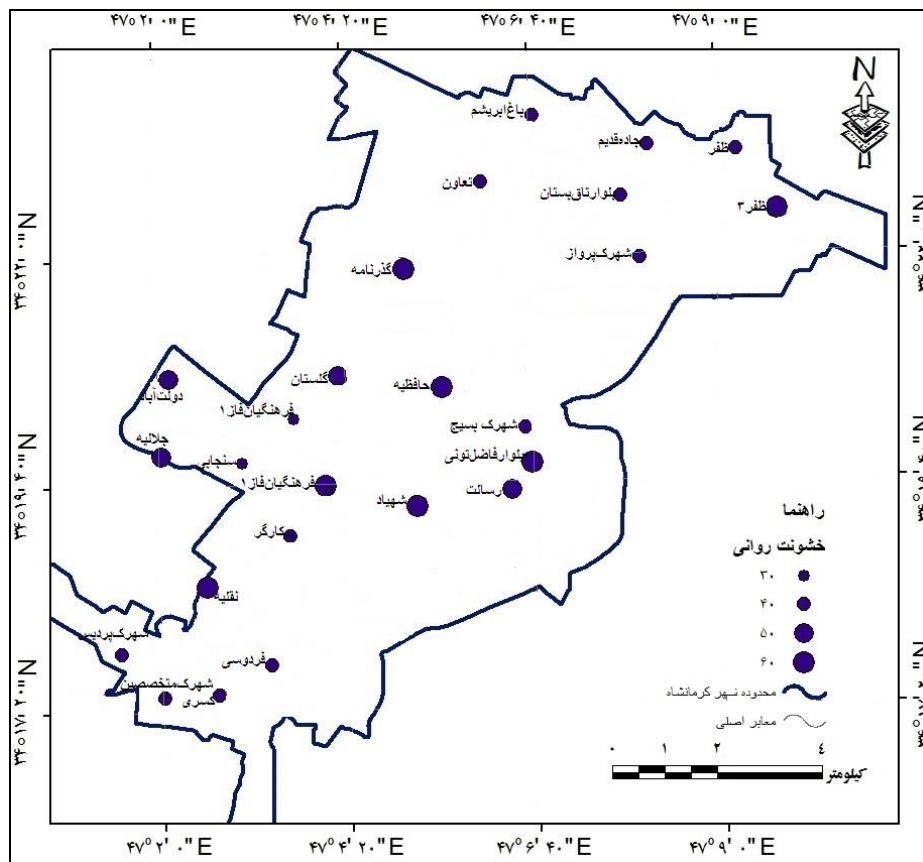
روند رو به رشد مناطق حاشیه‌نشین شهرها و انبوه جمعیت در بافت‌های فرسوده شهری، برگرفته از بستر مناسب این مناطق است که گروه‌های اجتماعی کم‌برخوردار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در خود می‌پذیرد؛ از این رو، درهم تنیدگی این عوامل با یکدیگر در محیطی نامطلوب به تنزل اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های ساکن در آن‌ها دامن زده و ساکنان مستعد را آماده بروز آسیب‌های اجتماعی و جرائم شهری می‌سازد. همچنان‌که در مباحث پیش رو بررسی می‌شود، شیوع خشونت‌های خانگی با محلات شهری مرتبط است؛ به بیان بهتر، نوع محله بر بروز خشونت خانگی تأثیر مستقیم دارد.

برای تحلیل متغیر مستقل محله مسکونی بر متغیر وابسته خشونت، فرضیه «خشونت روانی، کلامی و فیزیکی بر حسب محلات با یکدیگر متفاوت است» و از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای رابطه‌دار بودن آن استفاده شده است. مقدار احتمال (۰/۰۰۰) در سطح معنی‌داری ۰/۹۹، نشان می‌دهد که محله مسکونی بر بروز خشونت اثر معنی‌دار داشته است (جدول ۴).

نگاهی اجمالی به نقشه پراکندگی خشونت روانی (شکل ۳) نشان می‌دهد بیشترین میزان خشونت (۶۰٪) در محله‌های شهرک بسیج، آقاجان و ظفر ۳، متمرکز شده که با ویژگی بارز فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، ناآگاهی اجتماعی و سطح پایین انتظارات و تقدیرگرایی شناخته می‌شوند. گذرنامه نیز از محلاتی است که با میزان خشونت روانی ۶۰٪ گزارش شده است.

جدول ۴. تحلیل واریانس یک‌طرفه برای بررسی رابطه بین محل سکونت و خشونت (به شکل کلی)

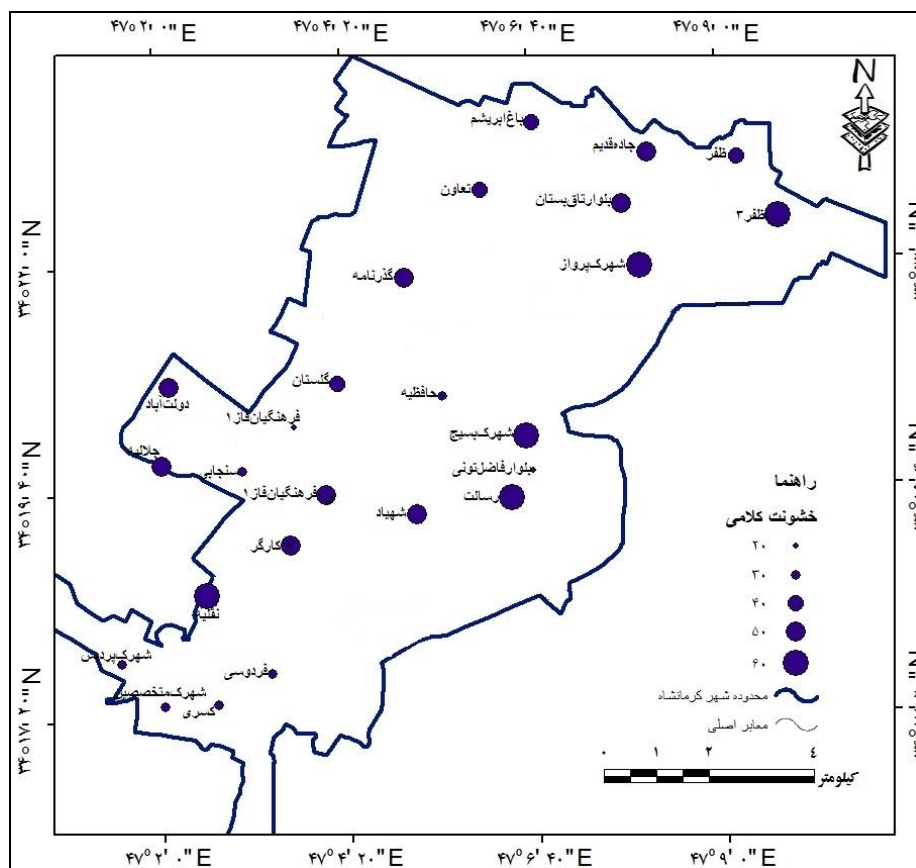
سطح معنی‌داری (sig)	آماره F	میانگین توان دوم	درجه آزادی	مجموع توان دوم	خشونت %
۰/۰۰۰	۵/۶۵۳	۲۱۰۹/۷۳۲	۶	۱۲۶۵۸/۳۹۵	بین گروه‌ها
		۳۷۳/۲۳۴	۴۲۶	۱۵۸۹۹۷/۸۷۲	درون گروه‌ها
			۴۳۲	۱۷۱۶۵۶/۲۶۷	کل



شکل ۳. پراکندگی خشونت بر حسب خشونت روانی

وقوع بالای این سطح از خشونت در یک محله خوب شهری، متأثر از ازدواج آنان است که با غلبه ازدواج‌های هیجانی (ازدواج‌هایی از سر احساسات زودگذر) فرد را در مقابل خانواده و خرد جمعی، قرار داده است. خشونت در مناطقی که میزان آن‌ها ۵۰٪ گزارش شده نیز به‌طور عمده ویژگی‌هایی مشابه با نقاط ۶۰٪ خشونت دارند: محلات جلالیه، تعاون، متخصصین، دولت‌آباد، باریکه، بلوار فاضل تونی، شهرک پردیس و کارگر. سایر نقاط با میزان ۵۰٪ خشونت خانگی، شامل محلاتی است که با ویژگی‌هایی مانند جمعیت عمدتاً مهاجر (از دهه‌های پیشین) و یا با خانواده‌های جوان است: محله تعاون، جمعیتی کمابیش مهاجر دارد؛ در مقابل، شهرک متخصصین نیز کمابیش با چنین ویژگی‌ای شناخته می‌شود. هرچند این منطقه در سطح توسعه فرهنگی بالاتری نسبت به تعاون قرار دارد. شهرک پردیس به‌همراه شهرک متخصصین، با ویژگی غالبی، مانند خانواده‌های جوان شناخته می‌شود.

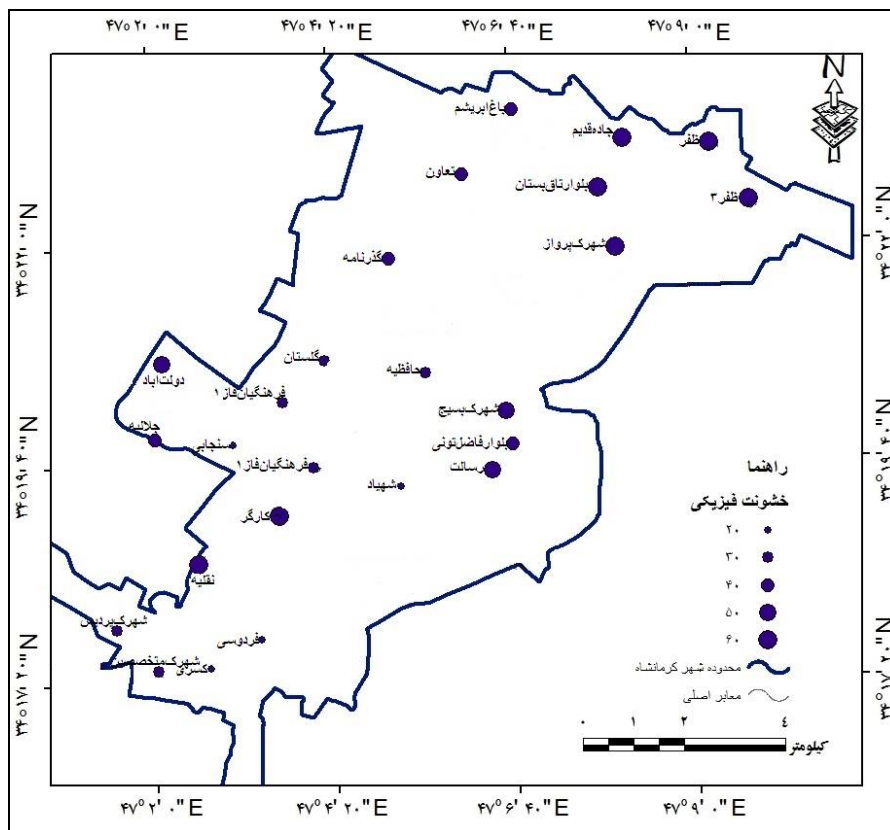
همان‌گونه که نقشه پراکندگی خشونت‌های کلامی نیز نشان می‌دهد (شکل ۴)، محله آقاجان، با ۶۰٪ خشونت، بیشترین میزان خشونت را به خود اختصاص داده که محله‌ای با بافت فرسوده، فقیرنشین و حاشیه‌ای محسوب می‌شود. شهرک پرواز، جلالیه، ظفر ۳، دولت‌آباد، رسالت، ظفر و کارگر با ۵۰٪ خشونت در رتبه دوم قرار دارند. ویژگی برجسته این مناطق، همانند مناطق دارای خشونت‌های روانی است؛ فقر اقتصادی نخستین خصیصه برجسته همه آن‌هاست. تراکم بالای جمعیتی، ناهمگونی فرهنگی، بافت فرسوده و اغلب متراکم، کاهش سطح تعاملات اجتماعی میان محلات و بروز پدیده جدایی‌گزینی اجتماعی از بُعد ذهنی نیز از آن جمله است. وقوع خشونت در دیگر مناطق با میزان خشونت ۵۰٪ در محلات فرهنگیان فاز ۱ و گذرنامه به‌عنوان مناطق خوب شهری، متأثر از ازدواج آن‌هاست؛ به بیان دیگر، ازدواج‌هایی که هیجانی نام گرفته‌اند با میزان خشونت بالا در این نقاط، موجب بالارفتن میانگین آمار خشونت در این منطقه شده‌اند.



شکل ۴. پراکندگی خشونت بر حسب خشونت کلامی

میزان خشونت‌های ۴۰٪ نیز در همان نقاط پیشین متمرکز شده است: محلات تعاون، جاده قدیم، بلوار تاق‌بستان و بلوار فاضل‌تونی، در دل خود مهاجرانی را جای داده است که در زمان تنگناهای اقتصادی راهی این منطقه شده‌اند. مهاجرتی که از سر ناچاری و فقر و به امید بهبود وضعیت زندگی صورت پذیرد در صورت سرخوردگی، بازخورد خود را در درون خانواده و گروه‌های ضعیف آن (زنان و کودکان) منعکس خواهد کرد. خشونت‌های خانگی به میزان زیادی متأثر از وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و ناتوانی سرپرستان از تأمین هزینه‌های زندگی است. ملازمت هم‌زمان فقر فرهنگی و اقتصادی که به شکل بارزی در این محلات دیده می‌شود، نتیجه نبود توان اقتصادی و غنای فرهنگی، ناآگاهی ساکنان محلات از حقوق خود و رضایت از داشته‌ها و باور به تقدیرهاست. نبود فضای سبز در برخی محلات بر بی‌انگیزگی ساکنین محلات افزوده و با خطر جدایی‌گزینی اجتماعی از بُعد ذهنی روبه‌رو ساخته است. برخی عوامل طبیعی مانند رودخانه قره‌سو و زمین‌های کشاورزی، عملاً شهر را به چند قسمت تقسیم کرده و جدایی‌گزینی را آشکارتر از پیش ساخته است.

گستره خشونت‌های خانگی، خشونت‌های فیزیکی را نیز دربر می‌گیرد. نقشه پراکندگی خشونت فیزیکی (شکل ۵) نشان می‌دهد محلات شهرک بسیج و آقاجان با ۶۰٪ خشونت فیزیکی، بالاترین میزان خشونت را داشته‌اند. محلات یادشده افزون بر فقر اقتصادی، با تراکم بالای جمعیت و گوناگونی فرهنگ‌ها روبه‌رو هستند. پس از آن، محلات شهرک پرواز، جلالیه، ظفر ۳، دولت‌آباد، رسالت، محدوده‌های عشایر و سنجایی، جاده قدیم، بلوار تاق‌بستان و کارگر هریک با ۵۰٪ خشونت، با ویژگی‌های فقر اقتصادی و فرهنگی، بافت فرسوده و مهاجرت شناخته می‌شوند. میزان آگاهی زنان به خشونت علیه آنان، تنها در خشونت‌های فیزیکی خلاصه شده و عدم آگاهی به خشونت علیه آنان در سطوح دیگر (مانند خشونت‌های روانی و کلامی) از ویژگی‌های عمده آنان محسوب می‌شود.

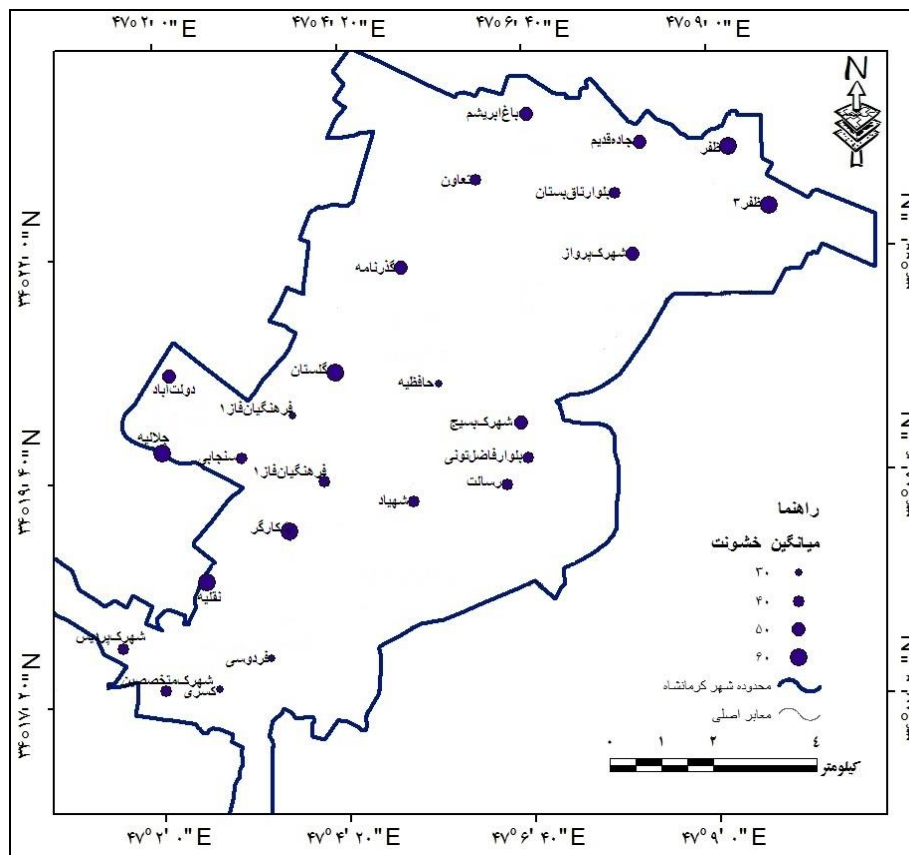


شکل ۵. پراکندگی خشونت بر حسب خشونت فیزیکی

میانگین هر سه سطح از خشونت نیز بر روی نقشه همان مسیرهای پیشین را دنبال می‌کند و به جز محله گذرنامه (به‌عنوان یک محله خوب شهری که رفتارهای خشونت‌آمیز ناشی از نوع همسرگزینی آن‌هاست)، در محلات جلالیه، بسیج، آقاجان، دولت‌آباد، رسالت و سنجایی، متمرکز شده و با ویژگی‌های محلات فقیرنشین با بافت فرسوده، تراکم جمعیت بالا، جمعیت عمدتاً مهاجر و ناهمگونی فرهنگی شناخته می‌شوند (شکل ۶). بیشتر محلات یادشده در هر سه سطح خشونت خانگی، افزون بر کمبود فضای سبز، با کمبود بهداشت محیط و در مواردی بی‌نظافتی محله روبه‌رو هستند. به این مشکلات، تبدیل شدن محله به محل دفن پسماندهای ساکنان آن محله را نیز باید افزود. فقر فرهنگی و اقتصادی این مناطق، بی‌تفاوتی ساکنان از سویی و بی‌توجهی مسئولان شهری نسبت به نظافت و پاکیزگی محله از سوی دیگر، بر مسائل، چالش‌ها و مشکلات مردم محلات یادشده افزوده است.

بخش قابل توجهی از ازدواج‌های شهر کرمانشاه، شامل گونه‌هایی است که بنابر تعاریف انجام‌گرفته در مورد هریک از آن‌ها، والدین از میزان اختیارات بیشتری در تصمیم‌گیری نسبت به دختران و پس از آن پسران برخوردارند؛ تمرکز این ازدواج‌ها با ۳۹/۹٪ در مناطق متوسط رو به پایین است. این آمار، در کنار آمار ۸/۸٪ ازدواج‌های هیجانی، درصد چشمگیری را به خود اختصاص داده‌اند که نارضایتی‌ها به‌همراه بنیه ضعیف اقتصادی خانواده‌ها، بسترساز خشونت خانگی شده است. در تأکید بر عامل اقتصادی، اشاره به این بخش از نتایج پژوهش اهمیت دارد که بیشترین میزان میانگین خشونت در بین مردان بیکار با ۶۰/۴٪ و پس از آن در بین مشاغل آزاد پایین^۱ با ۴۸٪ مشاهده شده است.

۱- مشاغل با توجه به موقعیت اجتماعی و اقتصادی، تقسیم‌بندی شده و همه مشاغل آزاد پایین را دربر نمی‌گیرد و تنها شامل تقسیم‌بندی مشاغلی می‌شود که مخاطبین پرسش‌نامه‌ها بوده‌اند. مشاغل آزاد پایین شامل دلال بنگاه، کارگر کشاورزی، خدماتی قالی‌شویی، کارگران شهرداری، غسال‌ها، معامله‌گران کوچک، معامله‌گران پوست، دست‌فروش‌ها، فلاغلی و پارکبان‌ها است.



شکل ۶. پراکندگی میانگین خشونت

بحث

در این بخش، تلاش می‌شود با مقایسه تطبیقی مطالعات پیش‌تر انجام‌شده، شناخت جامع و درک درستی از پدیده خشونت خانگی با رویکردی محیطی به‌دست آید. فرضیه اصلی پژوهش، بر مبنای رابطه‌دار بودن خشونت خانگی و محله مسکونی به آزمون گذاشته شد که در سطح معنی‌داری ۹۹٪ به اثبات رسید (جدول ۴). در تقسیم‌بندی محلات شهری شهر کرمانشاه بر اساس نظریه وارنر (۱۹۶۰) بیشتر محلات در محدوده محلات متوسط و متوسط رو به پایین قرار گرفتند (جدول ۲). صرف نظر از محلات متوسط، به‌عنوان حد وسط محلات بالا و پایین، سایر محلات قرار گرفته در رده‌های پایین‌تر، فقر اقتصادی ساکنان این محلات را تداعی می‌کند و در راستای تکمیل نتایج تحقیقات پیش‌تر انجام‌شده‌ای قرار می‌گیرد که عامل فقر به عنوان انگیزه بروز خشونت خانگی، به اثبات رسیده است (یونیسف، ۲۰۰۱؛ دل‌گراند و همکاران، ۲۰۰۳؛ تنیسون، ۲۰۰۴؛ بوتس، ۲۰۰۷؛ فلود، ۲۰۱۰؛ تانکی سنلت، ۲۰۱۲؛ بشیر، ۲۰۱۲؛ هایدر، ۲۰۱۲؛ جورج و بریجت، ۲۰۱۴؛ فریس، ۲۰۱۵؛ هاشمی‌نسب، ۱۳۸۵؛ داسگوپتا، ۱۳۹۰؛ برناردز، ۱۳۹۰؛ آقاخانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ امینی و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدی و باقری کشکولی، ۱۳۹۳). هرچند وجه تمایز نتایج این مطالعه با سایر تحقیقات مرتبط با موضوع فقر، تمرکز بر متغیر «مکان» است که در هیچ‌یک از آن پژوهش‌ها، متغیر مکان مورد بررسی قرار نگرفته است؛ از سوی دیگر، کالورت و تونی (۲۰۱۳) در مطالعه خود، به تأثیر نابرابری درآمد بر ناسازگاری خانواده پرداخته بودند. می‌توان نتایج مطالعه وی را با نتایج این مطالعه از زاویه‌ای دیگر نگریست. در این محلات، مردان نیز از فرصت‌های درآمد پایین‌تری نسبت به محلات متوسط و بالاتر برخوردارند که در مقام مقایسه برخورداری زنان و مردان این محلات از بنیه اقتصادی، اختلاف‌های فاحش آن‌ها و وضعیتی به‌مراتب ضعیف‌تر زنان، بیشتر آشکار می‌شود.

از دیگر ویژگی‌های این محلات، بیکاری است که چهره نمایان‌تری نسبت به دیگر محلات دارد. نداشتن پشتوانه مالی مناسب، آنان را برای خوداشتغالی ناتوان ساخته است. آمار بالای خشونت در بین بیکاران و مشاغل آزاد پایین، گویای تأثیرگذاری این عامل بر رفتار میان زن و شوهرها است که پژوهش‌های پیشین را تکمیل می‌کند (کاور و گارگ^۱، ۲۰۰۸؛ ویریمو، ۲۰۱۴؛ عنبری و بهرامی، ۱۳۸۹؛ امیری و همکاران، ۱۳۹۲؛ صداقت‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۶). این عوامل، در جهت‌بخشیدن به روابط بین افراد و اعضای خانواده‌ها نقش بازی می‌کنند و متغیر دیگری به نام مهاجرت نیز رفتار خانواده‌ها را متأثر می‌سازد. بیشتر جمعیت محلات حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه مهاجرانی هستند که از سر فقر و ناچاری روانه شده‌اند. بیکاری، فقر، مشاغل کاذب و فصلی به‌همراه پدیده مهاجرت، زمینه‌ساز خشونت‌های خانگی در شهر کرمانشاه به‌ویژه مناطق حاشیه‌نشین است. در پرسشی از پاسخگویان پرسیده شد «تصور کنید زمان به عقب برگشته آیا حاضر به ازدواج دوباره با همسر فعلی‌تان بودید؟» بیشتر پاسخ‌های مثبت، مشروط به شغل ثابت، امنیت شغلی و داشتن درآمد ثابت شوهر قید شده بود. درآمد متوسط نزدیک به نیمی از ساکنان این مناطق، از مرز یک میلیون تومان تجاوز نمی‌کند. این مسائل به تدریج یکی پس از دیگری مفهوم عدالت اجتماعی را نیز به چالش می‌کشند؛ امری که در محلات فقیر شهری، بس بیگانه می‌نماید.

در پژوهش‌های پیشین و در بررسی مفهوم عدالت اجتماعی، به تأثیر این عامل بر اثرات روانی و پیامدهای آن در بین ساکنان مناطق فقیر و حاشیه‌نشین مانند وقوع خشونت اشاره شد (براون، ۲۰۱۱؛ ترنچانت و مولر، ۲۰۱۷؛ بیات، ۱۳۹۴؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۳؛ عبدی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فرهادی‌خواه و همکاران، ۱۳۹۶). از این رو، تفاوت‌های قابل توجه در ظاهر فیزیکی محلات فقیر و مرقه شهری کرمانشاه، تأثیرات این عامل را تأیید می‌کند. تأثیر عوامل تاریخی را بر شدت‌بخشیدن به این پدیده نمی‌توان نادیده گرفت. جنگ تحمیلی هشت‌ساله موجب فرار بخش قابل توجهی از سرمایه‌های فکری و اقتصادی شده و زمینه‌های رشد و شکوفایی اقتصادی این منطقه به تدریج از میان رفت. تأخیر در بازسازی زیرساخت‌های ویران‌شده پس از جنگ نیز به تداوم مهاجرت‌های گسترده کمک کرد. مطالعه اسناد سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴) گویای کاهش برخی از بودجه‌های اختصاص‌یافته به استان در دوران سازندگی است که بر شدت‌بخشیدن به فقر این منطقه و روند مهاجرفرستی نخبگان و سرمایه‌داران، نقش داشته است. بودجه عمرانی بازسازی استان، بودجه عمرانی استانی، پرداخت خسارت ناشی از جنگ تحمیلی و بودجه عمرانی ملی، نمونه‌های کاهش بودجه این استان در دوران سازندگی بوده‌اند.

پژوهش‌های دسته سوم که به مفاهیم شهرنشینی، مهاجرت و حاشیه‌نشینی اشاره دارد (ترنچانت، ۲۰۱۳؛ اجیز، ۲۰۱۶ و محسنی و نصرتی پایانی، ۱۳۹۳)، هم‌پوشانی کاملی با نتایج این تحقیق دارد و مثلثی را ترسیم می‌کند که در یک سوی آن شهرنشینی و در دو دیگرسو، مهاجرت و حاشیه‌نشینی قرار می‌گیرد. هریک از تحقیقات بالا که از تأثیرات سه عامل نامبرده بر وقوع خشونت خانگی نام می‌برند نیز، به‌وضوح در هریک از محلات فقیر شهری کرمانشاه دیده می‌شود. بخش بزرگی از محلات فقیر مهاجرانی هستند که به امید دستیابی به زندگی بهتر به‌سوی این شهر روانه شده‌اند. امید به زندگی بهتر، بیانگر بنیة اقتصادی ضعیف آنان است که به‌ناچار در محلات فقیر شهری، سکنی گزیده‌اند. مفاهیمی مانند عدالت اجتماعی و توسعه که در پژوهش‌های متعددی مطالعه شده نیز در محلات شهری کرمانشاه از اختلاف قابل توجهی برخوردار است. از ریخت و رخساره روستاگونه محلات فقیر و حاشیه‌نشین به‌همراه عدم برخورداری از تسهیلات و امکانات رفاهی تا سطح مطلوب خدمات شهری به‌همراه تغییرات پی‌درپی در ظاهر فضاهای عمومی محلات متوسط به بالا و مرقه شهری با هدف تنوع‌بخشیدن به فضاهای

آن محلات، به نبود عدالت اجتماعی اشاره می‌کند.

بخش دیگری از مطالعات پیش‌تر بررسی شده، شامل ازدواج‌های اجباری و زود هنگام است و ویژگی مشترک آن‌ها با فقر اقتصادی و فرهنگی مناطق مورد مطالعه، گره خورده است (یونیسف، ۲۰۰۱؛ مایرز و هاروی، ۲۰۱۱؛ کمرون، ۲۰۱۰؛ رادهاکریشنن، ۲۰۱۲؛ سینکلار، ۲۰۱۲؛ مک گیور، ۲۰۱۴؛ کالین، ۲۰۱۵؛ باتاچاریا، ۲۰۱۵؛ ساریچ و همکاران، ۲۰۱۶؛ جوکی و استرک، ۲۰۱۷؛ فرانبرگر، ۲۰۰۸؛ یوجورای، ۲۰۱۷؛ بگرضایی و همکاران، ۱۳۹۶). نتایج این مطالعه نیز نشان داد بخش قابل توجهی از ازدواج‌های صورت گرفته در کرمانشاه، شامل ازدواج‌هایی است که با میزان اختیار بیشتر و یا مطلق پدر و مادر همراه بوده و دختران از اختیار کمتری برخوردار بوده‌اند. این ازدواج‌ها در محلات فقیر شهری متمرکز شده است. در این خانواده‌ها، عدم توان تصمیم‌گیری برای آینده خود، زمینه بروز خشونت را فراهم کرده است. محلات فقیر شهری همواره خاستگاه افراد ضعیف و ناتوان به لحاظ اقتصادی و اجتماعی است. مجاورت انبوهی از جمعیت در کنار یکدیگر که از ناتوانی اقتصادی در رنجند، فرهنگی را تولید می‌کند که به بازتولید فرهنگ پدرسالاری حاکم بر خانواده‌ها کمک می‌کند و مردان را در نقش شاه کوچک خانه، نماینده و زنان و دختران را به پذیرش منفعلانه از اوامر پیش روی آنان وامی‌دارد. نبود آگاهی و دانش لازم، آنان را موجوداتی به شدت ضعیف، منفعل، محتاط و با سطح انتظارات پایین بار آورده که پیش‌آمدهای روزانه از منظر آنان تقدیری از پیش‌نوشته شده است. بر همین مبناست که در چنین محلاتی، گونه‌هایی از همسرگزینی گسترش می‌یابد که با کمترین تصمیم‌گیری دختر برای ازدواج همراه است و ازدواجی ناخواسته را به آنان تحمیل می‌کند. ازدواج‌های تنظیم‌شده چه از نوع رضایت‌مند و چه از نوع اجباری آن، غلبه ساختارهای حاکم بر خانواده را نشان می‌دهد که راهی جز پذیرش آن برای فرد باقی نمی‌گذارد. ازدواج‌های تحمیل‌شده اجباری و حیثیتی نوع ۱، وضعیتی اندوه‌بارتر دارند؛ در این ازدواج‌ها، نیرومندی حاکمیت ارزش‌ها و ساختارهای کلان جامعه، فرصت و توان تصمیم‌گیری را حتی از خانواده‌ها نیز گرفته و تغییرات جامعه ناشی از فرایند مدرنیته، نیز توان غلبه بر چنین ساختارهای از پیش تعیین‌شده‌ای نداشته و کماکان آن را به‌عنوان عنصری لازم در زندگی پذیرفته است. در شرایطی بحرانی‌تر، فرد نه تنها بار فقر اقتصادی را به دوش می‌کشد، بلکه از حمایت اجتماعی نیز بی‌بهره می‌ماند. برخورداری از حمایت اجتماعی از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر وقوع خشونت خانگی است که در پیشینه پژوهش به برخی از آن‌ها اشاره شد (تنجیب و همکاران، ۲۰۱۷؛ سالاهاب و همکاران، ۲۰۱۸). مرور نقشه‌های خشونت، محله گذرنامه و فرهنگیان فاز ۱ را نیز در رده مناطق بالای خشونت خانگی قرار می‌دهد. در این مطالعه، ۸/۸٪ از ازدواج‌های انجام گرفته شامل ازدواج‌های هیجانی است که در دو محله یادشده تمرکز یافته است. ازدواج‌های هیجانی گونه‌ای از همسرگزینی مدرن‌اند که با وجود عدم همراهی خانواده و پیامدهایی مانند خشونت بالا و از هم پاشیدگی خانواده، گویای تعارض میان ارزش‌های فرد و خانواده و تلاش دختران برای حق انتخاب است؛ اما پشت کردن به ارزش‌ها و هنجارهای خانواده پیامدهایی مانند انزوای اجتماعی و نبود حمایت اجتماعی را به دنبال داشته است؛ عواملی که به شدت در روابط بین زن و شوهرها نقش بازی می‌کند. این مسئله در جامعه سنتی ایران، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و بی‌توجهی به ارزش‌های خانواده‌ها، همواره بازتاب‌های زیان‌باری داشته است؛ رواج این گونه از همسرگزینی، متأثر از مجاورت محلات فرهنگیان فاز ۱ و گذرنامه در مکان و فضایی عمومی (نوبهار) برای گذران اوقات فراغت است که فرهنگ پرسه‌زنی را ترویج داده است. این فضای عمومی، به‌عنوان یکی از عمده‌ترین مظاهر مدرنیزاسیون در شهر کرمانشاه است که کارکردهای چندگانه دارد؛ از این رو، جوانان در چنین فضای اجتماعی که محصول روابط اجتماعی است، هویت شخصی خود را به‌گونه‌ای بازتعریف می‌کنند که هماهنگ با سایر

هویت‌های شخصی آن فضا، بر ساخته می‌شوند. تأثیرات قوی و مستقیم چنین سبکی از زندگی، موجب تقویت این گونه از همسرگزینی شده است. در گسترش روزافزون و بی‌رویه پرسه‌زنی، آینده مبهم پیش روی آنان و ناامیدی از آینده، تأثیرگذار بوده و انگیزه‌ای برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی را برای آنان باقی نمی‌گذارد و تا حدود زیادی تصویری همانند سایر تحصیل‌کردگان جویای کار، از آینده خود، برای آنان ترسیم کرده است.

در مطالعه (تنجیب و همکاران، ۲۰۱۷؛ سالاها و همکاران، ۲۰۱۸) عدم حمایت اجتماعی به دلایلی مانند فقر اقتصادی شبکه خویشاوندی بوده است؛ اما در این پژوهش، نبود حمایت اجتماعی به دلیل نادیده گرفتن هنجارهای خانواده توسط فرد است. یافته‌های این تحقیق در زمینه ازدواج‌های حیثیتی نوع ۱، با ویژگی پشت‌کردن دختر به ارزش‌ها و هنجارهای خانواده و تنبیهات در نظر گرفته شده توسط خانواده شناخته می‌شود که افزون بر نبود حمایت اجتماعی، با انزوای آنان از سوی خانواده‌ها همراه شده است. عنصر حمایت اجتماعی در گونه دیگری از همسرگزینی مانند ازدواج‌های ناچاری، خود را به شکل دیگری نشان می‌دهد. هر چند در این گونه، برخلاف گونه هیجانی، نبود حمایت اجتماعی نه از سر تنبیهات خانواده، بلکه نداشتن پشتوانه اجتماعی دختران است؛ از این رو، می‌توان این گونه را در پیوند با گونه‌های سنتی و اجباری در نظر گرفت که فقر خانواده‌ها، موجب از بین رفتن آن شده است. گونه ناچاری را می‌توان از گونه‌های نوظهور ازدواج تعریف کرد که پیامد نبود حمایت‌های اجتماعی شبکه قدرتمند خویشاوندی چندین سده پیش، از یکدیگر و کاهش ارتباطات اجتماعی میان خانواده‌هاست؛ حمایت اجتماعی شبکه خویشاوندی در جوامع سنتی، مانع از رشد چنین ازدواج‌هایی بوده است؛ در حالی که در جوامع تغییر یافته امروزی، با از بین رفتن این عنصر مثبت، دخترانی که پشتوانه اقتصادی و اجتماعی ندارند، به‌ویژه دختران پدر از دست‌داده، ترس از سربار شدن، آنان را ناچار به پذیرش ازدواجی می‌کند که تنها انتخاب میان بد و بدتر و نه امید به زندگی بهتر، تلقی می‌شود؛ از این رو، تلاش برای کاهش خشونت خانگی نیازمند توجه به عوامل زمینه‌ساز آن و برنامه‌ریزی و انجام اقدامات کاربردی مرتبط است که در نتیجه‌گیری به آن‌ها پرداخته می‌شود.

نتیجه‌گیری

کاهش خشونت خانگی، پیش از هر چیز، نیازمند برنامه‌ریزی برای ایجاد اشتغال است. بهبود است اگر برای کاهش خشونت خانگی، بر مبنای مشاوره و آموزش مهارت‌های زندگی و افزایش تاب‌آوری، بدون توجه به عامل بیکاری، تصمیم‌گیری شود. بدون نام‌بردن از این پژوهش‌ها، در شرایط ناتوانی اقتصادی خانواده‌ها، فشارها و تنگناها، مجراهای آرامش را از میان برداشته و زمینه را برای بروز خشونت فراهم خواهد کرد؛ توسعه بازارچه‌های مرزی و ظرفیت‌های بومی برای خوداشتغالی بیش از بودجه، نیازمند برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی در حوزه اشتغال، باید چندگانه بوده تا بتواند از رواج برخی گونه‌های همسرگزینی مانند ناچاری جلوگیری کند. در این راستا، آموزش مهارت‌های حرفه‌آموزی به دختران خانواده‌های فقیر و بی‌سرپرست به استقلال اقتصادی آنان کمک می‌کند؛ از سوی دیگر، از رواج گونه‌های هیجانی، به دلیل افراط در پرسه‌زنی و ایجاد دوستی‌های خیابانی زودگذر جلوگیری کند. در گسترش چنین رفتارهایی، ناامیدی به آینده و نداشتن انگیزه برای برنامه‌ریزی آینده و در نتیجه گذران اوقات فراغت با پرسه‌زنی نقش داشته است. بخشی از برنامه‌ریزی برای اشتغال شامل ایجاد زیرساخت‌ها در روستاها، حمایت از کارگران فصلی و بالابردن رفاه اجتماعی برای جلوگیری از مهاجرت‌های گسترده به شهر است. محلات فقیر نیازمند برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی از تسهیلات شهری برای حفظ زیبایی و سرزندگی‌اند تا عدالت اجتماعی به‌طور نسبی در همه محلات مصداق یابد.

تغییر در برخی ارزش‌ها و نگرش‌های ناکارآمد خانواده از دیگر مسائلی است که به نظر می‌رسد بیش از هر عامل

دیگری نیازمند سپری شدن زمان و روی کار آمدن نسلی است که بتواند آن‌ها را با ارزش‌های مناسب جایگزین کند. رواج ازدواج‌هایی مانند حیثیتی (نوع ۱)، غلبه ارزش‌ها و هنجارهای کلان بر خانواده‌ها در امر ازدواج است که به باکره‌گی دختران در زمان ازدواج باور دارد و در موارد بسیاری، بنیان خانواده نوپا، قربانی حفظ آن می‌شود؛ به‌ویژه آنکه با آگاهی خانواده‌ها به سرنوشت رنج‌آور دختران در زندگی پیش روی آنان نیز، همراه می‌شود. در این زمینه، افکار عمومی نیز باید در جهت تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها فعالیت کند. فعالیت در زمینه آگاه‌سازی نسل جوان برای ازدواجی مطلوب و مناسب نیز نیازمند حمایت دولت و تلاش فعالان مدنی و برنامه‌ریزی برای ایجاد روابط صمیمانه‌تر بین خانواده‌ها و دختران است تا تصمیم‌گیری در زمینه ازدواج، با مشارکت و هم‌فکری بیشتر آنان همراه شود و ازدواجی را از سر اجبار (حیثیتی) و از سر هیجان (هیجانی) ایجاد نکند که پیامد مستقیم آن، انزوای اجتماعی و طرد آنان و عدم حمایت اجتماعی خانواده‌ها و در نتیجه زمینه بروز خشونت خانگی خواهد بود. تلاش‌های جامعه جهانی در زمینه اقدامات مؤثر برای تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی، الگوهای بسیار روشن و مناسبی را در این زمینه عرضه می‌کنند.

سیاسگزاری

با سپاس فراوان از همراهی‌های همکار گرامی، آقای مهندس مسلم حدیدی، عضو هیئت‌علمی سازمان جهاد دانشگاهی کرمانشاه در تهیه نقشه‌های خشونت.

منابع

- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر (۱۳۹۱) **جامعه‌شناسی زنان**، ترجمه منیژه نجم عراقی، چاپ نهم، نشر نی، تهران.
- آقاخانی، نادر؛ موسوی، احسان؛ افتخاری، علی؛ اقتدار، سامره؛ زارعی، عباس؛ رهبر، نرگس؛ مسگرزاده، مریم؛ نیکونژاد، علیرضا (۱۳۹۱) بررسی مقایسه‌ای میزان خشونت خانوادگی تجربه‌شده در زنان دارای همسر معتاد و غیر معتاد مراجعه‌کننده به مراکز پزشکی قانونی در شهرستان ارومیه در سال ۱۳۹۱، **مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه**، ۱۱ (۱)، صص. ۹۱۷-۹۰۷.
- امیری، مجتبی؛ پورموسوی، سید موسی؛ صادقی، منصوره (۱۳۹۲) مطالعه آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی در منطقه ۱۹ شهرداری تهران از دیدگاه مدیران شهری، **اقتصاد و مدیریت شهری**، ۲ (۵)، صص. ۱۳۷-۱۱۹.
- امینی، لیلا؛ حیدری، مریم؛ دانش‌پرور، حمیدرضا (۱۳۹۳) سلامت روان و برخی تعیین‌کننده‌های فردی - اجتماعی آن در زنان تحت خشونت خانگی، **مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه**، ۱۲ (۸)، صص. ۶۰۵-۵۹۹.
- برناردز، جان (۱۳۹۰) **درآمدی به مطالعات خانواده**، ترجمه حسین قاضیان، چاپ سوم، نشر نی، تهران.
- بگرضایی، پرویز؛ زنجانی، حبیب‌اله؛ سیفاللهی، سیفاله (۱۳۹۶) مطالعه کیفی پدیده خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: زنان مراجعه‌کننده به مرکز خدمات اورژانس اجتماعی شهر ایلام)، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، ۱۱ (۳)، صص. ۳۲-۵.
- داسگوپتا، شمیتا (۱۳۹۰) **شاهد تن، خشونت بنیادین علیه زنان جنوب آسیایی ساکن ایالات متحده**، ترجمه بنفشه جوادی الیادانی، چاپ اول، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- دژمان، معصومه؛ برادران افتخاری، منیر؛ ستاره فروزان، آمنه (۱۳۸۵) هزینه‌های مستقیم خشونت علیه زنان در مراکز پزشکی قانونی شهر، **پایش**، ۵ (۳)، صص. ۲۰۶-۲۰۱.
- رضایی، داود؛ مقیمی، مهدی؛ محمد جعفری، حسن (۱۳۹۳) آسیب‌شناسی کالبدی مناطق حاشیه‌نشین جهت نیل به توسعه پایدار شهری (نمونه مورد مطالعه: محله احمدآباد تبریز)، **دومین همایش ملی معماری پایدار و**

توسعه شهری با رویکرد پدافند غیر عامل در معماری و شهرسازی، انجمن علمی پدافند غیر عامل ایران، شرکت پنام خط نوین، قم.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴) طرح‌های عمرانی دوره (۱۳۷۰-۱۳۶۶)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کرمانشاه. صداقت‌زادگان، شهناز؛ زاهدی، محمدجواد؛ بهزادی‌فر، بهروز (۱۳۹۶) عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با نزاع و درگیری جوانان در سرپل ذهاب (با تأکید بر خانواده)، *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، ۵ (۱)، صص. ۲۰-۳۸.

عبدی، عطاالله؛ کرمی، تاج‌الدین؛ مستجابی، حمید (۱۳۹۶) تبیین مفهومی پیامدهای امنیتی حاشیه‌نشینی شهری و مسئله تعلق مکانی، *پژوهش‌های انتظام اجتماعی*، ۹ (۴)، صص. ۱۶۷-۲۰۰.

عنبری، موسی؛ بهرامی، اردشیر (۱۳۸۹) بررسی آثار فقر و خشونت بر میزان خودکشی در ایران مورد مطالعه: روستاهای شهرستان پلدختر، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱ (۲)، صص. ۱-۳۰.

فرهادی‌خواه، حسین؛ حاتمی‌نژاد، حسین؛ شاهی، عارف؛ ظفری، مسعود (۱۳۹۶) تحلیل فضایی فقر شهری در سطح محله‌ها (نمونه‌پژوهی: شهر مشهد)، *اقتصاد شهری*، ۲ (۲)، صص. ۱۷-۳۶.

محسنی، رضاعلی؛ نصرتی پایانی، عزت‌اله (۱۳۹۳) نسبت شهر با جرم و آسیب‌های اجتماعی (مطالعه‌ای در رتبه‌بندی جرائم و آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی شهر گرگان)، *پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، ۲ (۷)، صص. ۱۱۳-۱۳۸.

محمدی، جمال؛ باقری کشکولی، علی (۱۳۹۳) تحلیل تطبیقی رابطه بین فقر و خشونت شهری با استفاده از مدل ویکور (مطالعه موردی: محله‌های شهر یزد)، *مطالعات نواحی شهری*، ۱ (۱)، صص. ۱۲۵-۱۴۹.

معینیان، نرمینه (۱۳۹۱) تحلیلی بر خشونت علیه زنان در خانواده (با نگاهی به جامعه ترکیه)، *زن و مطالعات خانواده*، ۵ (۱۷)، صص. ۱۴۶-۱۳۱.

هاشمی‌نسب، لیلا (۱۳۸۵) بررسی شیوع، پیامدها و عوامل مرتبط با خشونت فیزیکی خانگی در زنان باردار مراجعه‌کننده به بخش زایمان بیمارستان‌های شهر سنندج، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ۱۱ (۴)، صص. ۴۱-۳۲.

Ajeesh, S., Begum, Sh., Prashant, T. (2018) Association of Domestic Violence with Reproductive Morbidities Among Women in Urban Slums of Mumbai, India, **International Journal of Current Research**, 10 (3), pp. 66152-66157.

Alejo, K. (2014) Long-Term Physical and Mental Health Effects of Domestic Violence, **Research Journal of Justice Studies and Forensic Science**, 2 (1), PP. 81-98.

Barreda, G. O., Cases, C. V. (2013) Legislation on Violence Against Women: Overview of Key Components, **Rev Panam Salud Publica**, 33 (1), pp. 61-72.

Bashiru, A. M. (2012) **Sexual Violence Against Women And Their Human Rights In The Wa Municipality In The Upper West Region Of Ghana**, thesis of M. A., Specialization: Population, Poverty and Social Development, Supervisor Dr. Messkoub Mahmud, International Institute of Social Studies, The Hague, The Netherlands.

Bhattacharyya, M. (2015) **Research on Early and Forced Marriage in Poor Urban Areas of Bangladesh**, UPPR Project, UNDP, Bangladesh.

Bottos, Sh. (2008) **Women and Violence: Theory, Risk, and Treatment Implications**, Research Branch, The Report Correctional Service Canada, Ottawa, Ontario, Canada.

Calvert, E., Fahey, T. (2013) **The Impact of Income Inequality on the Family: A Test of a Thesis**, UCD-Geary Institute discussion Paper series, pp. 1-25

Cameron, S. (2010) **Access to and Exclusion from Primary Education in Slums of Dhaka, Bangladesh**, A research (Monograph) No. 45, Centre for International Education, University of Sussex, England.

Colleen, K. (2015) **Child Soldiers: An Innocence Lost**, thesis of M.A. Supervisor David Manville and Dr. Yvette Colon, Honors College, Eastern Michigan University, Michigan, United States

- of America.
- Darko, E., Smith, w., Walker, D. (2015) **Gender Violence in Papua New Guinea The Cost to Business**, Shaping Policy for Development, Overseas Development Institute, odi.org.
- Del Grande, E., Woollacott, T., Taylor, A., Starr, G., Anastassiadis, K., Ben Tovim, D., Westhorp, G., Hetzel, D., Sawyer, M., Cripps, D., Goulding, S. (2003) Domestic Violence in South Australia: Apopulation Survey of Males and Females, **Australia and Newzeland Journal of Public Health**, 27 (5), pp. 543-550.
- Dillon, H. N. (2005) **Family Violence and Divorce: Effects on Marriage Expectations**, thesis of M. A., Supervisor Dr. Peggy Cantrell, Chair, Wallace Dixon and Jon Ellis, the faculty of the Department of Psychology, East Tennessee State University, United States of America.
- Douglas, R., Sefton, B. C., Zimmermann, A. (2014) **Enhancing Family and Domestic Violence Laws**, Final Report of Project, No. 104, Law Reform Commission of Western Australia, Australia.
- Duvvury, N., Callan, A., Carney, P., Raghavendra, S. (2013) Economic Costs and Implications for Growth and Development, **Women's Voice, Agency & Participation**, paper, series NO.3, The world bank.
- Ferrer Perez, V. A., Bosch Fiol, E. (2014) Gender Violence as a Social Problem in Spain: Attitudes and Acceptability, **Sex Roles**, 70 (11-12), pp. 506-521.
- Ferris, E. G. (2015) **Unseen, unheard: Gender-Based Violence in Disasters, Global Study**, Researchers: Dzieszowska, A., Graven Minning, S., Lee, A., Mangwende, F., Manning, L., Nicol, Ch., Stern. S., Trapman, I. International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies, Geneva, Switzerland, www.ifrc.org.
- Flood, M. (2010) **Where Men Stand: Men's Roles in Ending Violence against Women**, Sydney: White Ribbon Prevention Research Series, No. 2.
- Frauenberger, S. (2008) **Expert Conference Vienna Active Against Forced Marriage**, Vina Active against Forced Marriage, Conference Documentation, 27 March, Vienna City Hall, Executive City Councillor for Women's Issues, within the scope of the EU Daphne programmer.
- George, A., Bridget, H. (2014) **Landscapes of violence: women surviving family violence in regional and rural victoria**, research project, Centre for Rural and Regional Law and Justice. Deakin University, Victoria, Australia.
- Goldfarb, F. S. (2002) The Supreme Court, the Violence Against Women Act, and the Use and Abuse of Federalism, **Fordham Law Review**, 71 (1), pp. 58-109
- Herzberger, S. D. (1996) **Violence within the Family Social Psychological Perspectives**, Westview Press, Boulder, United States of America.
- Jouhki, J., Stark, L. (2017) Causes and Motives of Early Marriage in The Gambia and Tanzania: Is New Legislation Enough?, **poverty and Development Working Paper** 1/2017.
- Kaur, R., Garg, S. (2008) Addressing Domestic Violence Against Women: An Unfinished Agenda, **Indian Journal of Community Medicine**, 33 (2), pp. 73-76
- McGuire, M. (2014) **The Right to Refuse: Examining Forced Marriage in Australia**, Good Shepherd Youth & Family Service, North Collingwood Victoria, Melbourne, New Zealand Australia.
- Pal, J., Mullick, T. H., Ahmad, Sh., Yadav, A. K. (2017) Domestic Violence against Women – An Unsolved Issue: A Community Based Study in an Urban Slum of Kolkata, India, **Clinical and Diagnostic Research**, 11 (10), pp. 1-4.
- Radhakrishnan, P. (2012) **Unholy Matrimony: Forced Marriage in New Zealand**, A thesis of M.A, Supervisor Dr. Sara Kindon, School of Geography, Environmental and Earth Sciences, Victoria University, Victoria, British Columbia, Canada.
- Rahal, T. R. B. (2013) **The Impact of Divorce on The Likelihood of Graduating From High School by age 20**, A Thesis of A.S, Supervisor: Morrison, Donna R., School of Arts and Sciences of Georgetown University, Washington, DC. United States of America.
- Rawls, J. (2010) **A Theory of Justice**, Universal Law Publishing Co, New Delhi, India.
- Salahub, J. E., Gottsbacher, M., Boer, J. D. (2018) **Social Theories of Urban Violence in the**

- Global South Towards Safe and Inclusive Cities**, Routledge, England.
- Sarich, J., Olivier, M., Bales, K. (2016) Forced Marriage, Slavery, and Plural Legal Systems: An African Example, **Human Rights Quarterly**, by Johns Hopkins University Press, 38 (2), pp. 450-476.
- Shafer, K. M. (2009) **Gender Differences in Remarriage: Marriage Formation and Assortative Mating After Divorce Dissertation**, Thesis of Degree Doctor of Philosophy, Supervisor Dr. Zhenchao Qian, University of Ohio State, United States of America.
- Tennyson. M. K. (2004) **Battery in Brazil: Feminist and Family Sociology Perspectives on Domestic Violence**, A Thesis of M. A., Supervisor Barbara A. Zsembik & Karen F. Parker, The Graduate school of the University of Florida, United States of America.
- Tuncay Senlet, E. (2012) **Domestic Violence Against Women in Relation to Marital Adjustment and Psychological Well-Being, with the Attachment Marital Coping, and Social Support**, A Thesis of Ph.D. Supervisor: Hurol Fişiloglu, Department of Psychology The Graduate school of social sciences of Department of Psychology, Middle East University of Technology.
- Uehling, G., Bouroncle, A., Roeber, C., Tashima, N., Crain, C. (2011) Preventing Partner Violence in Refugee and Immigrant Communities, **General articles**, 38, pp. 50-51.
- Ujvari, M. (2018) Measures to Prevent Child Marriage Human Rights Council (HRC), BIMUN, **8th Budapest International Model United Nations**, Session of Budapest International Model United Nations, 12-17 April 2018, Budapest, Hungary
- UNICEF**. (2001) Innocenti Research Centre Early Marriage, Child Spouse, Acting Director by Stephen H. Umamoto, No.7, March, Florance, Italy.
- Warner, W. L. (1949) **Social Class in America: A Manual of Procedure for the Measurement of Social Status**, Harper Collins Publishers, United States of America.
- Warshaw, C., Sullivan, C. M., Rivera, E. A. (2013) **A Systematic Review of Trauma-Focused Interventions for Domestic Violence Survivors**, National Center on Domestic Violence, Trauma & Mental Health, The Report, Michigan State University, United States of America.
- World Health Organization** (2008) Violence against Women, the Report, Fact Sheet No. 239.
- Zaman, M. (2013) Impact of Exchange Marriage on Children in Pakistan: Social Security or Insecurity?, **The Qualitative Report**, 18 (46), pp. 1-11.
- Zaman, N. (2001) **A Divided Legacy: the Partition in Selected Novels of India, Pakistan and Bangladesh**, Publisher: OUP, Pakistan.